

KHAMENEI AND SALMAN RUSHDIE

<http://www.ghandchi.com/366-Khamenei-plus.htm>

متن مقاله بزبان انگلیسی

<http://www.ghandchi.com/366-KhameneiEng.htm>



سام قندچی

خامنه ای و سلمان رشدي

در **اخبار** آمده است که دیروز آیت الله علی خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران گفته است که:

"آنها از احترام به همه مذاهب میگویند، اما آنها از چنان مهدورالدم مرتدی نظیر رشدي دفاع میکنند". در شریعه، یا در قانون اسلام، "مرتد" به معنی کسی است که مرتکب برگشت از دین (ارتداد) از طریق خروج از اسلام شده است و "مهدورالدم" اصطلاحی است که به کسی اطلاق میشود که ریختن خون وی مجازات ندارد.

کلمات مشابهی از سوی همه اسلامگرایان بکار برده میشود، از جمله آیت الله خمینی، که اولین بار **فتوای** قتل سلمان رشدي را در سال 1989 صادر کرد. آنها همه فکر میکنند که بر مبنای عقائد مذهبی آنان، سلمان رشدي مرتکب جنایتی شده، که مستوجب مجازات مرگ است، چرا که رشدي نظرات توهین آمیز نسبت به اسلام را بیان داشته است. و آنها فکر میکنند مجازات مرگ که تعیین میکنند، انجام قوانین *عدالت* است، چرا که آن احکام بر مبنای قوانین اسلامی است.

آیت الله خامنه ای در نقل قول بالا سعی دارد بگوید که موضع دموکراتیک *عدالت* در دفاع از سلمان رشدي، در تضاد با احترام گذاشتن به دین خامنه ای یعنی اسلام است، که بر طبق نظر خامنه ای، قتل سلمان رشدي را بمثابة انجام *عدالت* اسلامی بخاطر عقائد ابراز کرده وی جائز میکند.

فرض کنیم خامنه ای درست میگوید. در آنصورت جامعه بین المللی چه باید بکند؟ از آنجا که احترام به مذهب، بمعنی آن است که به فتوای قتل سلمان رشدي بایستی احترام گذاشت، سوال این است که اصلاً آیا به مذهب بایستی احترام گذاشت؟

در یونان باستان، یکتا پرستان لا مذهب و بی خدا خوانده میشدند، چرا که آنها خدایان یونان را پرستش نمیکردند. در واقع یکی از اتهامات وارده به **سقراط** در دادگاه اتن "اندیشه درباره خدایانی غیر از خدایان مورد تأیید دولت" بود.

در نتیجه وقتی یک مذهب، استاندارد عدالت را تعیین میکند، میتواند اندیشه های ضد خدای آن مذهب را، جنایت قابل مجازات مرگ تلقی کند. نه تنها قتل بعنوان مجازات چنان جرائم مذهبی، بلکه حتی مذهب میتواند طلب قتل انسان بعنوان هدیه قربانی برای حاصلخیزی زمین را بکند، با خون بچه اول، وقتی مذهبی زندگی اولین کودک را هدیه زمین بداند، که به آن بازگردانده میشود. آیا چنان شعائر مذهبی نیز بایستی مورد احترام باشند؟ آیا احترام به مذهب بمعنی اجازه دادن به اینگونه شعائر نیست؟

بنظر من آنچه اینجا غلط است همان احترام به مذهب است. خامنه ای درست میگوید که در این جا تضاد وجود دارد. آزادی مذهب به آن معنی است که مردم بایستی حق انتخاب هر مذهبی و داشتن هر اندیشه ای را داشته باشند، تا وقتی که درک مذهب آنها از حقوق و عدالت، در تضاد با حقوق بشر نباشد. پس آزادی مذهب بمعنی احترام به مذاهب *نیست*.

در واقع حقوق بشر بر دیدگاه هر مذهب معین از عدالت تقدم دارد، و حقوق بشر است که بایستی به آن احترام گذاشت، از جمله حق بشر برای داشتن هر دیدگاه مذهبی، تا آنجا که آن دیدگاه تجویز ارتکاب به جنایت، بمثابه انجام وظیفه مذهبی را نکند، که در انصورت، مذهبی یا غیر آن، جنایت بایستی در دادگاه قانون رسیدگی شود، بر مبنای حقوق بشر.

مثلاً، اگر یک مذهب شیطان پرستی تصمیم بگیرد که یک باکره را بمثابه یک وظیفه مذهبی به قتل برساند، پیروان آن مذهب که مرتکب چنین جنایتی شده اند، بایستی بجرم قتل دستگیر شوند، و به دیدگاه های مذهبی آنها، و درک آنها از *عدالت*، احترام گذاشته *نخواهد* شد. در عوض به حقوق بشر قربانی جنایت آنها احترام گذاشته خواهد شد، چرا که در جامعه مدرن، *عدالت* از دیدگاه حقوق بشر، بر هر دیدگاه مذهبی تقدم دارد.

این است دلیل آنکه در مورد سلمان رشدی، دنیای غرب میبایست از ابتدا به روشنی عمل میکرد، و میبایست که میگفت *هیچ* احترامی برای عدالت اسلامگرا قائل نیست، وقتی که آن دیدگاه برای عقائد کسی خواهان قتل وی میشود، چرا که چنین قانون خلاف حقوق بشر است. تشکیلات هائی نظیر سازمان ملل، میبایست از همان اول، از حقوق بشر سلمان رشدی دفاع میکردند، و دادگاه جهانی میبایست که آیت الله خمینی را، بخاطر صدور فتوای قتل سلمان رشدی، به دادگاه فرا میخواند، چرا که رشدی میبایست از حقوق بشر برای بیان آدانه عقائد خود، بدون تهدید اسلامگرایان، برخوردار میشد.

اگر سازمان ملل و دادگاه جهانی و دموکراسی های غربی بشکل بالا عمل کرده بودند، شاید از قتل های زنجیره ای از سوی اسلامگرایان جمهوری اسلامی، و همچنین از جنایت [11 سپتامبر](#) اسلامگرایان، که هر دو بر مبنای *عدالت اسلامی* و فتوای مذهبی انجام شدند، جلوگیری میشد.

دموکراسی های غربی میبایست چنان سیاست روشنی را اتخاذ میکردند تا این فتوای جنایت بار را از اول متوقف کنند، نه آنکه اسلامگرایان دستگیر شده در فرانسه و آلمان، که در ارتباط با قتل بختیار، برومند، و رهبران کرد بودند را، برای خشنود سازی جمهوری اسلامی آزاد کنند، یا تفسیر مجدد سیاسی [سیاستمداران انگلیس](#) را اختراع کنند، تا برای فعالیت های جنایتکارانه بنیادگرایان اسلامی جا باز کنند، و آن همه تحت پرچم اشتباه آمیز احترام به مذاهب.

دنیای متمدن نیابستی *هیچگاه* با چنان عقاید جنایتکارانه مذهبی مصلحه کند، آنها تحت لوای آزادی مذهب، و باصطلاح احترام به مذاهب، چرا که آزادی مذهبی بمعنی احترام به عقائد و شعائر هیچ مذهب معینی نیست، و بطور ساده بمعنی حق داشتن دیدگاه های مذهبی یا غیر مذهبی است تا آنجا که آن دیدگاه ها ارتکاب به جنایت را تجویز نکنند، و غرب میبایست که روشن میکرد که دیدگاه و عمل هیچ مذهبی را تحمل نمیکند و احترام هم نمیگذارد، اگر که آن دیدگاه و عملکرد جنایت علیه بشریت را تجویز کند، یا که حقوق بشر هر فرد را زیر پا گذارد. در واقع [تئوری های نسبییت فرهنگی](#) نیز مسول بسیاری از این اشتباهات در غرب بودند.

سازمان ملل و دادگاه جهانی بایستی که آشکارا این موضوع را به دستور کار خود برای برخورد با فعالیت های جنایتکارانه مذهبی دولت های مذهبی، موسسات، و افراد مذهبی اضافه کنند. این آن چیزی است که معنی دفاع از حقوق بشر هر شهر وند جهان در قرن 21 است، در غیر اینصورت، آیت الله ها نوبت میگیرند که فتوای عجیب و غریب تر از هم صادر کنند. در واقع برخی از آنها مجبورند که از رقبا در فناتیسم سبقت بگیرند، و آن هم از ترس آیت اله های رقیب، که با ارائه تعصب بیشتر، فرش را از زیر پای آنان میکشند.

میبایست هیچ وقت احترامی برای هر فعالیت جنایتکارانه با برچسب مذهبی وجود نداشته باشد، همانگونه که قربانی کردن انسان جنایت محسوب میشود، و هر کس به آن مبادرت کند، با هر دلیل مذهبی، تحت عنوان احترام به حق مذهبی تحمل نمیشود، و این گونه جنایتکاران دستگیر شده، بخاطر جنایت در حق بشریت، در دادگاه قانون محاکمه میشوند، نه آنکه مورد اغماض قرار گیرند و تحت پرچم "احترام" به این یا آن مذهب تحمل شوند.

به امید جمهوری آینده نگر، فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ایران

سام قندچی، ناشر و سردبیر
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

1 بهمن 1383

January 20, 2005

مقالات تنوریک

<http://www.ghandchi.com>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>